روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
۱۱۸۱ سال و ۱۹۲ روز گذشت
شنبه | ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۲۲ رمضان ۱۴۴۱ | ۱۶ مه ۲۰۲۰ | سال دوازدهم | شماره ۲۹۲۸ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان
VATAN-E-EMROOZ | VOL.12 | NO.2928 | SAT.MAY.16,2020 | ISSN:2008-2886

روایت رئیس بنیاد مستضعفان از نقل‌قول رهبر انقلاب:
هیچ حد و مرزی برای کمک به اقشار ضعیف وجود ندارد

کمک بدون مرز به مردم

صفحه ۴

گفت‌وگوی «وطن امروز» با نجم‌الدین شریعتی مجری برنامه تلویزیونی ماه من

ماه من علی است

صفحه ۸

پرونده «وطن امروز» درباره سیاست‌های دولت روحانی در حوزه مسکن طی ۷ سال گذشته به بهانه جهش قیمتی اخیر

گسل مسکن

■ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، صدور پروانه ساختمان، تعداد تسهیلات خرید مسکن و تعداد ساختمان‌های شروع شده برای احداث در دولت روحانی کاهش یافته و قیمت مسکن حداقل ۴ برابر شده است!

■ هیچ کدام از ابزارهای مالیاتی مبارزه با سوداگری در بازار مسکن در دولت‌های یازدهم و دوازدهم اجرایی نشد

■ افشین پروین پور، عضو سابق شورای عالی مسکن: تا ۱۰ سال آینده اگر سالی ۲ میلیون خانه بسازیم به تعادل بین عرضه و تقاضا می‌رسیم

■ مصطفی قلی‌خسروی، رئیس اتحادیه مسکن تهران: ارز، طلا، بورس و حامل‌های انرژی بر قیمت مسکن اثرگذارند

صفحه ۳

عکس: عرفان کوچاری، نسیم

چند نکته درباره حکمرانی امام علی علیه‌السلام

یادداشت

حجت‌الاسلام ماندگاری: در اندیشه دینی و نگاه الهی، نه‌تنها قدرت بلکه تمام نعمت‌ها و امکانات، دارایی‌ها و فرصت‌ها ابزاری هستند برای بندگی خدا. خداوند متعال در قرآن با تعابیر مختلفی می‌فرماید که همه آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آن است را برای انسان آفریده است. بعد از تاکید مکرر بر این موضوع خطاب به انسان می‌فرماید «اصطنعتک لنفسی» یعنی تو را برای خودم خلق کردم. همه عالم برای انسان خلق شده است و انسان برای خدا. کمال انسان در بندگی خدا است. قدرت، جمال، شهرت و همه امکانات دنیا وقتی ارزشمند است که برای بندگی خدا به کار گرفته شود. ارزش تنها و تنها در بندگی خدا است.

نگاه وجود نازنین امیرالمومنین علی علیه‌اسلام به قدرت و سیاست نیز در همین چارچوب بوده است. امام علی قدرت و حکومت را برای بندگی خدا می‌خواستند. این همان درس بزرگی است که امام علی در پاسخ به ابن عباس تعلیم دادند. روزی امیرالمومنین در حال وصله زدن کفش کهنه و پاره‌ای بودند که متعلق به ایشان بود. امیرالمومنین خطاب به ابن عباس که شاهد این صحنه بود، فرمودند که ای ابن عباس این کفش در نظر تو چقدر می‌ارزد؟ ابن عباس پاسخ داد که ای امیرالمومنین این کفش هیچ قیمتی ندارد. به قول ما امروزی‌ها اگر این کفش را توی کوچه هم بگذاری کسی حاضر نیست آن را ببرد. حضرت فرمودند: ای ابن عباس! تمام این حکومت و قدرت در نگاه من ارزشش از این لنگه کفش پاره کمتر است مگر آنکه بتوانم این قدرت را ابزار بندگی خدا کنم. مگر اینکه بتوانم با این قدرت حق مظلومی را از ظالمی بستانم. این نگاه امیرالمومنین به قدرت و سیاست است. دنیای امروز قدرت را برای قدرت می‌خواهد اما امیرالمومنین قدرت را برای خدا می‌خواهد. این وجه تمایز اصلی نگاه دین و نگاه الهی و نگاه علوی به سیاست با همه مکاتب و اندیشه‌های بشری است.

ما در ادعیه هم درباره حکومت امام زمان می‌خوانیم که اقامه حق و ابطال باطل از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت مهدوی خواهد بود. ارزش قدرت سیاسی و ارزش تشکیل حکومت و ارزش تلاش برای حفظ یک حکومت همگی در گرو این است که حکومت بتواند حق را در جامعه احقاق کند و به کرسی بنشاند و باطل را ابطال کند و چهره جامعه را از باطل بزداید. از این طریق است که سیاست ابزار بندگی خواهد شد.

این نکته را هم دوباره یادآور شوم که استخدام همه ابزارها در مسیر بندگی فقط محدود به قدرت نیست. اصولا هر نعمتی تنها زمانی ارزش دارد که در راه بندگی خدا به کار گرفته شود. به همین خاطر است که در اندیشه دینی هر چیزی زکات دارد. ثروت زکات دارد تا با رسیدگی به فقرا حق شکرگزاری آن انجام شود، علم زکات دارد و زکات علم نشر آن است. زیبایی زکات دارد و زکات آن حیا و عفت است. کسی که زیبا است نباید با خودخواهی خود جامعه را به انحراف بکشاند. حق ندارد بگوید این زیبایی من است و هرطور که بخواهم آن را به نمایش می‌گذارم. این خارج شدن از نظام بندگی است. بندگی یعنی نعمت‌ها را در آنجایی خرج کنیم که خدا امر کرده است و خدا رضایت دارد. این قاعده عمومی درباره نعمت‌ها شامل قدرت سیاسی هم می‌شود. زکات قدرت سیاسی، احقاق حق و ابطال باطل، اقامه و اجرای عدالت است. به تعبیر قرآن لیقوم الناس بالقسط.

■ **حکومت دینی کسی را به زور بهشتی نمی‌کند**

درباره سیره حکومتداری امیرالمومنین باید به یک نکته اشاره کرد. عده‌ای معتقدند که حکومت وظیفه‌ای درباره سعادت اخروی و اخلاقی شهروندانش ندارد و یک حکومت صرفا موظف به تامین نیازهای مادی شهروندانش است. اگرچه تامین نیازهای مادی قطعا از وظایف یک حکومت است اما تقلیل وظایف حکومت به این مساله امر صحیحی نیست. باید ابتدا به این موضوع بپردازم که در اندیشه دینی اصل بر این است که «لا اکراه فی الدین». نه خدا و نه هیچ کس دیگری نمی‌تواند مردم را به زور وادار به دینداری کند. اگر این امر ممکن بود اول از همه خود خدا که قدرت لایتناهی دارد به این امر اقدام می‌کرد. دینداری با اجبار و زور نمی‌شود. وظیفه دین تبیین راه رشد و راه گمراهی و غی است. خدا در قرآن خطاب به پیامبر می‌فرماید: انا ارسلناک بشیرا و نذیرا. کار پیامبر انذار و تبشیر است. دین راه بهشت را به مردم نشان می‌دهد. راه جهنم را نشان می‌دهد. این خود مردم هستند که باید انتخاب کنند و به تبیین‌های دینی پایبند بشوند اما مساله‌ای که در اینجا حائز اهمیت است این است که عده‌ای در جامعه با بیان اینکه حکومت اسلامی می‌خواهد به زور مردم را بهشتی کند، خیانت می‌کنند. آنها به دنبال این هستند که بهشت خدا را جهنم معرفی کنند و جهنم خدا را بهشت معرفی کنند. عده‌ای می‌خواهند بی‌حیایی و حرام‌خواری را بهشت نشان دهند و عمل با احکام دینی را جهنم و عذاب معرفی کنند. اینجاست که حکومت وظیفه دارد مانند سیره همه انبیا و اولیا ورود کند و مسیر گناه را کور کند. راه جهنم را مسدود کند. بستر بهشتی شدن را فراهم کند. این رسالت یک حکومت اسلامی است که نمونه‌های آن در حکمرانی امیرالمومنین به وضوح آشکار است. پس باید در جمع‌بندی این موضوع گفت که هیچ‌وقت حکومت اسلامی به دنبال این نیست که مردم را به زور و اجبار بهشتی کند اما با این وجود یک حکومت دینی رسالت دارد تا راه بهشتی شدن و سعادت اخروی را برای شهروندانش هموار کند و راه جهنمی شدن را ببندد و مسدود کند.

■ **خواص در زمان لازم به میدان نیامدند**

نکته آخری که درباره حکمرانی امیرالمومنین لازم است به آن اشاره کنم دلایلی است که باعث شد در میدان سیاست، عرصه بر امام تنگ شود. در تحلیل اوضاع سیاسی-اجتماعی زمان امام علی باید بر ۳ موضوع تاکید کرد. موضوع اول کوتاهی خواص در تبیین حق و باطل بود. موضوع دوم خباثت‌های دشمن بود که تلاش می‌کرد حق را باطل جلوه دهد و باطل را به نام حق بر جامعه غالب کند. موضوع سوم هم دنیاگرایی مردم و ضعف تحلیل آنها بود. در تشریح این موضوع باید گفت که دشمن در زمان امام علی همه توان خود را به کار گرفته بود تا راه را راهزن معرفی کند. اینجا جایی بود که باید خواص به میدان می‌آمدند و مرز حق و باطل را نشان می‌دادند اما آنها هم کوتاهی کردند. مردم نیز با دنیاخواهی خود که طبق روایات راس کل خطیئه است، کار را دشوارتر کردند. این ۳ عامل بود که عرصه را بر امیرالمومنین تنگ کرد. من بارها گفته‌ام که اگر امت با امام همراه باشد، دشمن عقب‌نشینی می‌کند حتی اگر رهبر آن امت غیرمعصوم باشد. ما در انقلاب اسلامی دیدیم که مردم امام روح‌الله و مقام معظم رهبری را همراهی کردند که نتیجه آن عقب‌نشینی دشمن بود اما متاسفانه این اتفاق در زندگی امیرالمومنین رخ نداد و باعث شد نه‌تنها دشمن عقب‌نشینی نکند بلکه تا داخل خانه فاطمه زهرا هم پیشروی کند.

۳ استراتژی آمریکا در عراق

دیدگاه

محمدحسین مهدوی‌زادگان: دونالد ترامپ و همراهانش در حال تمرکز همزمان بر ۳ استراتژی هم‌ارز در منطقه غرب آسیا هستند! این ۳ استراتژی عبارتند از «ایجاد تعلقات امنیتی بازیگران منطقه به آمریکا»، «سلطه بر منابع اقتصادی و کانون‌های قدرت در منطقه» و «تجزیه کشورهای مسلمان». همان‌گونه که اشاره شد، هیچ یک از این ۳ استراتژی نسبت به موارد دیگر نزد مقامات ۲ حزب دموکرات و جمهوری‌خواه رجحان و اولویت نداشته و اساسا، هر ۳ استراتژی ذیل یک راهبرد کلان تحت عنوان «سلطه همه‌جانبه بر غرب آسیا» گنجانده می‌شود.

یک- «بازتولید تروریسم تکفیری» در عراق و تحرکات اخیر تروریست‌های تکفیری در مناطق مختلف این کشور، مصداق «ناامن‌سازی مزمن منطقه» برای تحمیل حضور بلندمدت نظامی و سیاسی واشنگتن در بغداد محسوب می‌شود. وقوع همزمان بحران‌های سیاسی و امنیتی در عراق بخوبی نشان می‌دهد ایالات متحده آمریکا قصد دارد هزینه‌های امنیتی خروج خود از این کشور را برای حاکمیت و ملت بغداد افزایش دهد. واشنگتن صراحتا به عراق هشدار داده در صورت اصرار بر اخراج نیروهای اشغالگر آمریکایی، بار دیگر مهره‌های تکفیری خود را کوک خواهد کرد! این در حالی است که واشنگتن یک بار در این بازی چندلایه، مغلوب قدرت رزمندگان مقاومت اسلامی در عراق، سوریه و لبنان شده است. از سوی دیگر، واشنگتن، ریاض و تل‌آویو به عنوان مثلث حامی تروریسم تکفیری و بانیان ایجاد آشوب و جنگ در منطقه معتقدند حتی برقراری «ثبات نسبی» در غرب آسیا، بهانه‌ای برای مانور نظامی و امنیتی آنها در این محدوده جغرافیایی باقی نخواهد گذاشت. تنفس مصنوعی غرب و متحدان منطقه‌ای آن به داعش، در همین راستا صورت گرفته و در آینده نیز ادامه خواهد داشت. موضوع دیگر، به «تسلط بر کانون‌های قدرت و منابع اقتصادی» کشورهای منطقه بازمی‌گردد.

دو- به نظر می‌آید آمریکا قصد دارد در تفکیک نسبت ۲ کلیدواژه استراتژیک «حضور نظامی» و «سلطه سیاسی» در منطقه، بازنگری مجددی صورت دهد. بر همین اساس، برخی تئوریسین‌ها و استراتژیست‌های ارشد آمریکایی معتقدند می‌توان در صورت هزینه‌سازی «حضور نیروهای اشغالگر» همه یا بخش اعظمی از آنها را از عراق خارج کرد و در عوض، مؤلفه‌های «سلطه بلندمدت سیاسی» بر این کشور را تقویت کرد. در این صورت، «حضور نظامی» جای خود را به «سلطه سیاسی» خواهد داد. به عبارت بهتر، افزایش تصاعدی هزینه‌های «حضور نظامی آمریکا» در منطقه، آنها را در آینده وادار خواهد کرد به گزینه بدتر [از نظر خودشان] یعنی «تسلط سیاسی» بر بغداد روی آورند. با همه این اوصاف، کاخ سفید در رسیدن به این هدف نیز ناکام خواهد ماند! جبهه مقاومت و مصادیق آن، از جنبش «نجبا» گرفته تا «کتائب حزب‌الله» و دیگر گروه‌های تعریف‌شده ذیل جریان مقاومت مردمی عراق، در طول سال‌های اخیر قواعد بازی آمریکا در کشورشان را دریافته‌اند و لحظه‌ای از رصد هوشمندانه و قاطعانه تحرکات دشمن غافل نمی‌شوند. حضور پررنگ جبهه مقاومت عراق در ۲ عرصه سیاسی و نظامی در بغداد، نشان‌دهنده ذکاوت ذاتی و در مواردی اکتسابی جریان‌های مقاومت است. این ذکاوت، از سوی دستگاه‌های امنیتی و تصمیم‌گیر آمریکا قابل محاسبه نیست!

بیانات قاطعانه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی پس از شهادت مظلومانه سردار سپهبد «حاج قاسم سلیمانی»، بخوبی نشان داد جمهوری اسلامی ایران و دیگر اضلاع محور مقاومت، اساسا سلطه آمریکا بر منطقه را برنمی‌تابند؛ چه این سلطه نظامی و چه سیاسی باشد: «باید حضور فسادبرانگیز آمریکا در این منطقه تمام شود. آنها در منطقه جنگ، فتنه، ویرانی و خراب شدن زیربناها آوردند».

حضور آمریکا در منطقه مولد فساد سیاسی، تاراج منابع و ذخایر اقتصادی و فراتر از آن، خلق فتنه‌های دائم در عراق و دیگر کشورهای مسلمان بوده است. بدیهی است جبهه مقاومت، با همه توان خود مانع استمرار حضور نظامی آمریکا در منطقه و سلطه سیاسی کاخ سفید بر کشورهای مسلمان خواهد شد.

سه- اما مهم‌ترین نکته‌ای که نباید ذره‌ای از آن غافل شد، به‌استراتژی «تجزیه کشورهای منطقه» بازمی‌گردد. ایالات متحده و رژیم مجعول صهیونیستی به دنبال تحقق «کشورهای چندپاره» هستند؛ کشورهایی که «قومیت»، «ثروت» و «مذهب» به ۳ مولفه «تجزیه» و «فروپاشی» حاکمیت واحد آنها تبدیل شود. نمونه بارز این مسأله را در ماجرای تقسیم سودان (به ۲ کشور سودان و سودان جنوبی) مشاهده کردیم. نباید فراموش کرد هر ۲ حزب سنتی آمریکا، اصرار زیادی بر تحقق «استراتژی تجزیه منطقه» بویژه «تجزیه عراق» دارند. جو بایدن، نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ میلادی، صاحب اصلی تئوری تجزیه عراق به ۳ قسمت شیعه‌نشین، سنی‌نشین و کردنشین است! بنابراین نباید تصور کرد استمرار این استراتژی‌های خطرناک، منوط به حضور یا عدم حضور ترامپ در راس معادلات قدرت است!

تیترهای امروز

رفتار دوگانه آمریکا با دولت کابل و طالبان سبب افزایش هرج و مرج در افغانستان شد

خونبهای اشغال

صفحه ۷

چین هم با پیوستن به روسیه مخالفت خود را با برنامه آمریکایی‌ها برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران رسماً اعلام کرد

سناریوی ۲-۵

■ نماینده چین در سازمان ملل: آمریکا حق ندارد تحریم‌های تسلیحاتی ایران را تمدید کند

■ روسیه: آمریکا مدعی است که از اعضای برجام است؛ این توهم است

صفحه ۲

چرا در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات درباره جمعیت، درمان «ناباروری» جدی گرفته نمی‌شود؟

رؤیای مادری طرحی ناتمام!

صفحه ۴

درخواست بن‌سلمان از نخست وزیر عراق برای میانجیگری با ایران

صدامک عقب نشست؟

صفحه ۲

نگاه

سیاه‌پوستان هنوز «رؤیایی» دارند

اسدالله رمضان‌زاده: این روزها با وجود شیوع کرونا، جنایات سازمان‌یافته علیه سیاه‌پوستان در آمریکا روندی افزایشی دارد. در ایالت جورجیا، «احمد آربری» نوجوان سیاه‌پوستی که در حال ورزش بود، پس از اصابت گلوله پدر و پسری سفیدپوست و نژادپرست، روی زمین افتاد و جان داد. پلیس این دو نفر را که «گرگوری مک‌میشل» و «تراویس مک‌میشل» نام دارند بازداشت کرده تا در حاشیه امن‌تری قرار گیرند! در مقابل، پلیس فرد سوم (فیلمبردار جنایت این دو سفیدپوست) را دستگیر نکرده و قصد دستگیری وی را نیز ندارد!

در موردی دیگر، ۳ افسر پلیس از ایالت کنتاکی که به دنبال مظنونی در شهر «لوئی‌ویل» این ایالت بودند، به اشتباه وارد خانه‌ای شده و یک دختر سیاه‌پوست را به قتل رساندند! جرم این دختر سیاه‌پوست این بوده که در مقابل تلاش غیرقانونی افسران پلیس برای ورود به منزلش مقاومت کرده است!

سیاه‌پوستان آمریکا روزهای سختی را سپری می‌کنند! جمله دکتر «مارتین لوتر کینگ» یعنی «من رؤیایی دارم» کماکان در ذهن آنها تکرار می‌شود. رؤیای برابری و عدالتی که لوتر کینگ و سیاه‌پوستان آمریکا به دنبال آن بودند نه‌تنها تحقق نیافته، بلکه شاهد تبدیل آن به کابوسی دهشتناک هستیم. گویا تاریخ به بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن در ایالات متحده تکرار می‌شود و صاحبان قدرت در کاخ سفید و سازمان سیا، در حال بازتولید خشن‌ترین نوع تروریسم در قبال رنگین‌پوستان آمریکا هستند.

سیکل جنایات سازمان‌یافته علیه سیاه‌پوستان متوقف نشده است؛ چه از سوی پلیس و چه از سوی نژادپرستان! بدون شک هنوز صحنه قتل فاجعه‌آمیز «اریک گارنر» دستفروش آمریکایی در نیویورک که به دست پلیس خفه شد، خاطر سیاه‌پوستان آمریکایی را می‌آزارد. همچنین همه به یاد دارند سال گذشته (۲۰۱۹) چگونه افسر پلیس آمریکایی در شهر «بی‌تاون» تگزاس در اقدامی بی‌رحمانه یک زن ۴۴ ساله را که فریاد می‌زد «باردار هستم» به ضرب گلوله از پای درآورد! عمق فاجعه آنجا بود که اکثر رسانه‌های آمریکایی، از افشای نام این افسر قاتل خودداری کردند تا مبادا در عزم و انگیزه پلیس و نیروهای امنیتی آمریکا در سرکوب و کشتار سیاه‌پوستان خللی ایجاد شود!

سال ۲۰۰۸ میلادی، زمانی که اوباما برنده رقابت انتخابات درون‌حزبی با هیلاری کلینتون شد، سیاه‌پوستان، اسپانیولی‌تبارها و سایر رنگین‌پوستانی که در آمریکا ساکن بودند حمایت کاملی از وی به عمل آوردند.

ادامه در صفحه ۶